

«هیچ خبر خوشی در آستانه اول مهر برای معلمان نداریم!»

میترا شجاعی دویچه وله

سی یک شهریور ماه هشتاد و شش

از سال ۱۳۸۵ که دولت نهم از مجلس خواست تا لایحه خدمات کشوری را به دولت پس بفرستد، اعتراضات معلمان نسبت به این تصمیم دولت آغاز شد. گفت‌وگویی با شیرزاد عبداللهی، کارشناس مسائل آموزشی درباره صدور احکام سنگین برای معلمان.

لایحه‌ی خدمات کشوری که از آن با نام "نظام پرداخت هماهنگ" نیز یاد می‌شود، در صورت تصویب می‌تواند بسیاری از مشکلات مالی معلمان را حل کند. از ۲۳ اسفند ۸۵ که تجمع مسالمت‌آمیز معلمان در برابر مجلس به خشونت کشیده شد و تعداد زیادی معلم دستگیر و روانه زندان شدند تا به امروز، اعتراضات صنفی معلمان ادامه دارد. معلمان حق‌التدریسی نیز در این اعتراضات شرکت کرده و خواهان رسیدگی به وضعیت استخدامی خود هستند.

دویچه وله: آقای عبداللهی قرار بود معلمان حق‌التدریسی روز یکشنبه برابر دفتر ریاست جمهوری تجمع کنند. آیا این تجمع برگزار شد؟

شیرزاد عبداللهی: بله، حدود ۴۰۰ نفر از معلمان حق‌التدریسی در برابر دفتر ریاست جمهوری تجمع کردند. قبل از آن هم این‌ها در برابر مجلس تجمع کرده بودند و به‌طور کلی تجمع معلمان حق‌التدریسی در پنج-شش سال اخیر در برابر نهادهای دولتی ایران و یا مجلس تبدیل به یک پدیده‌ی عادی شده است. اما من فکر نمی‌کنم که گشایشی در کار معلمان حق‌التدریسی ایجاد بشود.

مطالبات آنها دقیقاً چه هست؟

معلمان حق‌التدریسی وضعیت بسیار بدی دارند از نظر شرایط کار، شرایط زندگی و رفت و آمد. اینها بیمه ندارند، بازنشستگی ندارند، سوابق کارشان برایشان محاسبه نمی‌شود، دستمزدها و حقوق‌هایشان بسیار اندک است، به‌طوری که در مناطق روستایی و بخش‌های دورافتاده واقعا حقوقی که می‌گیرند صرفاً رفت‌وآمد این‌ها می‌شود. به‌طور کلی در وضعی هستند که واقعا نمی‌شود کار حق‌التدریسی را به‌عنوان یک شغل تلقی کرد. اینها خواستار این هستند که این وضعیت تغییر پیدا بکند و از مزایای کارمندان رسمی دولت برخوردار بشوند، صاحب بیمه بشوند، بازنشستگی به آنها تعلق بگیرد. و به‌حال از یک ثبات و امنیت شغلی برخوردار بشوند.

آیا لایحه خدمات کشوری که در مجلس مورد بحث است و سرعت بخشیدن به تصویب این لایحه دلیل اعتراض

معلمان بوده است، شامل معلمان حق التدریسی هم می‌شود؟

نه، اصلاً! آن فقط شامل معلمان شاغل رسمی آموزش و پرورش و بازنشستگان می‌شود که آن هم سرنوشت‌اش دچار ابهامات زیادی هست و بین شورای نگهبان، مجلس، مجمع تشخیص مصلحت و دولت سرگردان است و مهمترین مانع‌اش هم مخالفت دولت است که می‌گوید من منابع لازم برای تامین اعتبارات این لایحه را ندارم.

آیا در آستانه‌ی سال تحصیلی جدید، حکم جدیدی به معلمانی که قبلاً به آنها حکم داده بودند یا منفصل از خدمت شده بودند و یا منتظر خدمت بودند، آیا حکم جدیدی به آنها ابلاغ و تغییری در رویه‌های قبلی در برخورد با معلمان داده شده است یا خیر؟

راستش تحولی به سود معلمان صورت نگرفته است. روند قضایی رسیدگی به پرونده‌ی معلمان همچنان ادامه دارد. پرونده‌ها از دادسرا فرستاده شده است دادگاه. تعداد زیادی از معلمان در مرداد و شهریور به دادگاه مراجعه کردند و جلسات دادگاهشان برگزار شده و یکی- دو مورد منجر به صدور حکم شده است و بقیه هم منتظر صدور حکم هستند. و این دادگاه‌ها ادامه دارد و در مهرماه و آبان ماه هم تداوم خواهد داشت. از طرف دیگر، هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری همچنان در کار صدور احکام سنگین تنبیهی علیه معلمان هستند. تا به حال احکام بسیار شدیدی علیه تعداد زیادی از معلمان صادر شده است. این احکام شامل اخراج، بازنشستگی پیش از موعد، کسر حقوق از طریق کسر گروه پایه، تغییر محل جغرافیایی که حکم بسیار سنگین و شدیدی است...

منظورتان از تغییر محل جغرافیایی، تبعید است، می‌توانیم از آن به عنوان تبعید نام ببریم؟

بله! در قانون از آن به عنوان "تغییر محل جغرافیایی" اسم برده شده است، ولی در واقع همان تبعید است. مثلاً بخشی از معلمان همدان به ایلام تبعید شده‌اند، بعضی‌هاشان به استان خراسان شمالی و معلمان اصفهانی به اراک یا به مازنداران تبعید شده‌اند، و بخشی از معلمان تهران به شهرهای اطراف تهران فرستاده شده‌اند. در واقع همان تبعید است. یعنی این‌ها را از محلی که آنجا فعالیت می‌کردند دور می‌کنند که شاید به این طریق بتوانند مانع فعالیت‌شان بشوند.

در مورد ممنوعیت فعالیت کانون‌های صنفی معلمان آیا خبر جدیدی دارید؟ کانون صنفی جدیدی هست که مجوزش لغو شده باشد و جلوی فعالیت‌هایش گرفته شده باشد و یا برعکس، شاید خبر خوشی از فعالیت‌های کانون صنفی داشته باشید؟

تا کنون به خیلی از این کانون‌ها در شهرستان‌ها رسماً ابلاغ شده است که شما دیگر حق فعالیت ندارید و یا مجوز شما لغو شده است. از جمله مثلاً کانون صنفی کرمانشاه و کانون همدان. در مورد بقیه کانون‌ها و تشکل‌های معلمان هم به‌طور غیررسمی به آنها اطلاع داده شده است که شما حق تشکیل جلسه، فعالیت و صدور اطلاعیه را ندارید و معمولاً توجیه‌شان هم یکسری بهانه‌های اداری هست که مدارک شما ناقص است، انتخابات شما این ایرادات را داشته

یا مثلا هیات مدیره‌تان باید دوباره انتخاباتش برگزار بشود یا اینکه مثلا این تعداد از افراد هیات مدیره شما صلاحیت ندارند. به نظر من سیاستهای کلی دولت در جهت انحلال کامل تشکل‌های مستقل صنفی فرهنگیان است. فکر می‌کنید با آغاز سال تحصیلی جدید این فشارها بیشتر بشود یا ممکن است احیانا کمتر بشود؟

نشانه‌ای از کاهش فشارها دیده نمی‌شود. معلمان رایزنی‌های مختلفی کرده‌اند و با شخصیت‌های موثر ملاقات‌هایی داشته‌اند، با دادستان انقلاب، با آقای کروی، با حزب مؤتلفه و با رئیس دیوان عدالت اداری ملاقات‌هایی داشتند و مسائلشان را در میان گذاشته‌اند که به‌هرحال خواسته‌های معلمان صنفی هست و انگیزه‌ی معلمان انگیزه‌ی شرافتمندانه است و برای بهبود شرایط کار و معیشت‌شان است و هیچ‌گونه جریان سیاسی پشت کار معلمان نیست. منتها خب این‌ها در عمل نتیجه نداده است. به نظر من بهترین کار این است که تعقیب معلمان هم در دستگاه قضایی و هم در سطوح اداری متوقف بشود، احکام صادره لغو بشود و یک فضای دوستی و محبت به وجود بیاید و مشکلات معلمان هم به‌رحال مشکلات واقعی هستند و باید در جهت حل این مشکلات دولت گام‌های موثری بردارد که مهمترین‌اش تصویب همان لایحه‌ی خدمات مدیریت کشوری است.

مصاحبه‌گر: میترا شجاعی از دویچه وله رادیو آلمان